

امروز یا مولانا

روی پنهان می کند، زشامن بوز
آنچنان رو که همه زرق و شرست

تاسوی باغش بنگشایند بوز
از مسلمانان پنهان اولی ترست

یک خبر | یک نگاه

سرخ بی سرخ

تا نخی که ماه محرم بسر کاهش جرم دارد، به اقدامات هوشمندانه نیروی انتظامی با سیاست گذاری های اجتماعی برای کاهش جرم در کشور باز می گردد. اما راستی، چه خبر از مهم ترین جرمی که همین تا رگی در کشور اتفاق افتاده است؟ چه خبر از اسیدپاشان گمنام که کارشان کم کم دارد به یک روش انتقام در کشور تبدیل می شود؟ چه خبر از چندی خرم می رسد که اسامی بدیدار شد و هر از چندی خرم می رسد که جرم در میان مردم داشته باشد. بنابراین

برش

چهار «خنده» بلند

مصطفی حسام دوست

دلیم تنگ می شود، گاهی
برای حرف های معمولی
برای حرف های ساده
برای «چه هوای خوبی!» «دیشب شام چه خوری؟»
برای «راستی امندا عروسی کرده!» «شادی پسزایید.»
و چقدر خسته ام «چرا؟»
از «چگونه؟»
خسته ام از سوال های سخت، پاسخ های پیچیده
از کلمات سنگین
فکرهای بلند
پیچ های تند

دلیم تنگ می شود، گاهی
برای
یک «دوست ساده»
و «دوست خوب»
سه «هروز» «معلیمی در زمستان

چهار «خنده» بلند
و پنج «گفتگوست» حسام دوستی
برگرفته از کتاب
«دوست هایت بوی نوری می دهند»

شاطر

جنسوار ه پرواز بادبادک ها توسط کودکان معلول

زمن کودکی هموار کنند باید کاری کرد.



در امتداد کمپین «نه به تصادف» باباموتور ه دیگه!

از دست می دهند نگاه من به تصادفات راهنمایی و رانندگی به این صورت است که معتمد مابروز هر یک از این اتفاقات داخل شرفروان یک شهر یعنی امنیت را از دست می دهد. برای زندگی در آن ناخوش است که بیش از هر چیز بگریزی خسته روی یاد فری کنی ساکن آن خانه برای شما درست مانند آنجا یعنی از حسی که لازم زندگی است (منظورم حس حیاتی امنیت است) از دست خواهد رفت. حالا فرض کنید موتور سسوری پیدا می شود و دیوار اینی مختص شما را فرو می برد قفلش شما از امنیت شرفروان شما را از دست می دهد. این اتفاق چیست؟ درست است و یکی از ابتدایی ترین حقوق شرفروان شما را از دست می دهد. اما تصادفات موتور سسوری آمد و خواست با بوق زدن و سر صدای بلند که به وقت آفاق آن جای پاره است. جای عبور وسایل نقلیه نیست در کمال تعجب و با وجود این که تصادفات موتور سسوری در کشور ما در مرا به این فکر فرو برد که ظاهرا رعایت کوچکترین موضوعات عرفی و مسالمت قانونی در جامعه ما در

هالهای از لپها هستند در هر جامعه ای نوعی روابط شهری تعریف شده اند بنابراین به عنوان شرفروان یک شهر انتظار داریم در خط اتوبوس های تندرو فقط همین وسایل را ببینیم. این در حالی است که در بسیاری از موارد موتور سسوران و حتی رانندگان خودرو برای زود تر به مقصد رسیدن و از محدوده حرکت اتوبوس های تندرو می شوند. ظاهرا موتور سسور در آن زندگی که در آن زندگی می کنیم، سسور بر یک وسیله نقلیه نیست. عبور از چراغ قرمز حرکت در خیابان های یکطرفه و اتساع دیگری از تخلفات رانندگی از برخی موتور سسوران سر می زند. می خواهم در این جامتالی عینی بگویم در مردد دیگری از کارهای خارج شدن از کشور بود تا بتواند در یکی از کشورهای خارجی تحصیل کند. یک بزرگوار از خروج از کشور، توسط یکی از موتور سسوران پیاپی می آید. در این وقت بر زمین شده بود و تا یکماه نتوانست به حالت عادی باز گردد. می توانست در سه راه بود، در تمام این مدت در دادگاه بود تا یک تخلف خطی تا یک سوهی شخصی که اختراجه بود حقوق دیگران را میمونه بود. حسی بود و یکی از کمال از ترسش ماند. اما بهترین این اتفاق این بود که یک جوان بدون هیچ گونه تقصیری یکی از حس های بیجانهاش را از

دست می دهند نگاه من به تصادفات راهنمایی و رانندگی به این صورت است که معتمد مابروز هر یک از این اتفاقات داخل شرفروان یک شهر یعنی امنیت را از دست می دهد. برای زندگی در آن ناخوش است که بیش از هر چیز بگریزی خسته روی یاد فری کنی ساکن آن خانه برای شما درست مانند آنجا یعنی از حسی که لازم زندگی است (منظورم حس حیاتی امنیت است) از دست خواهد رفت. حالا فرض کنید موتور سسوری پیدا می شود و دیوار اینی مختص شما را فرو می برد قفلش شما از امنیت شرفروان شما را از دست می دهد. این اتفاق چیست؟ درست است و یکی از ابتدایی ترین حقوق شرفروان شما را از دست می دهد. اما تصادفات موتور سسوری آمد و خواست با بوق زدن و سر صدای بلند که به وقت آفاق آن جای پاره است. جای عبور وسایل نقلیه نیست در کمال تعجب و با وجود این که تصادفات موتور سسوری در کشور ما در مرا به این فکر فرو برد که ظاهرا رعایت کوچکترین موضوعات عرفی و مسالمت قانونی در جامعه ما در



مصطفی حسام دوست
شاطر

بیمناسبت

استقرار هویتی در آینه صنایع دستی

همین سرایی | استادانگاه |

جامعه ایران که هر روز در حال تحول است و به جستجوی خود در دنیای مدرن می گردد تفکرات و سبک جدیدی را تجربه می کند. در حال سرگشتگی است در چنین شرایطی صنایع دستی می تواند با حضور بزرگ خود در زندگی ما ایرانیان به جامعه ایران هویت و استقرار هویتی اعطا کند. رسانه در این بین نه تنها در مورد صنایع دستی بلکه در مفهوم کلی می تواند پیرامون سبک زندگی نیز راهی جدیدی پیش روی مردم کشورمان قرار دهد. این در حالی است که صنایع دستی در رسته های ما معلول مانده است. در حال حاضر آنچه در بیشتر برنامه های رسانه ای ما با وجود همین حالت پندگمی از نشان می دهد، گوئی این رفتارهای رسانه ای با سلیقه مخاطب همواره نشده و مردم به این برداشت رسیده که صنایع دستی یک چیز ساده قدیمی، کهنه و تکراری است. اگر بخواهیم به شیوه درست عمل کنیم باید فضا را پیش روی مخاطب گسترده کنیم که حس وجود یک انتخاب به در قفسه ذهن ما قرار نگیرد. صنایع دستی ما در این شرایط در معرض فراموشی است. در حالی که صنایع دستی ما در این شرایط در معرض فراموشی است. در حالی که صنایع دستی ما در این شرایط در معرض فراموشی است.

خاطر بازی

همه دوست داشتند مثل تیم هما باشند

بیژن ذوالفقارنسب
بیکنگسفروریل

مسائل ورزشی نیازمند تحلیل در فضای فرهنگی و اجتماعی هستند. براساس نظریات بنیانی المپی و ورزش دیدگاه های فرهنگی - اجتماعی داشته که در ۸۰ میلادی گروه های سیاسی وجود داشته که به اصلاح آنها را اولیگان و به حرکت های که در تیم ملی داشتند آنها را می گفتند. آنها گروهی زاده پرست و استرگرا بودند و مواضع خشونت آمیز و رخنه کردند و آخرین اثر مخرب را در قیام جام باشگاه ها در ایران در استادیوم هسل بروکسل، از خود به جا گذاشتند. بازی قیام بین دو تیم لیبرال و بوئنوس بود. آنها استادیوم را تخریب کردند و باعث کشته شدن تعدادی از تماشاگرانش شدند. اما ناچار از بازی اجتماعی در ورزش ما این گروه شاهد شد که در همان زمان گروه های مشابهی در آن منطقه و آلمان فعال بودند. در کشور انگلستان این گروه ها توسط نااهل مختلف فرهنگی - اجتماعی و سیاسی و ملی پوشان ۱۰ ساله اخراج شدند. انگلیسی ها کاری کردند تا خانواده ها به تماشای فوتبال در استادیومها ترغیب شوند. اینها هر نوع بی نظمی، بی قانونی و بی فرهنگی سبزه ورزش امروز در بیشتر استادیومها اروپا، به ویژه تعدادی از فوتبال آلمان، انگلستان و هلند قرار داد. هیچ مشکلی وجود ندارد. کار فرهنگی با بنفتمت این پاسخ مناسبتی داد. رسانه های دیداری و شنیداری هم در این مسیر نقش خود را به خوبی ایفا کردند. مشکلاتی که دید مشترک داشته ما وجود دارد و وضع سیاسی ما در استادیومها موجود در هر دو در میان بازیکنان و مربیان، رفتارهای



عکس: محمود اسرار امیرشیر